

## بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی در ورزشکاران

نصور احمدی<sup>۱</sup>، بهروز عبدلی<sup>۲</sup>، و مسعود آریافار<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۱

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تحلیل‌رفتگی ورزشی در ورزشکاران رشته‌های مختلف بود. نسخه اصلی این مقیاس، دارای ۱۵ سؤال و سه خرده مقیاس واماندگی هیجانی- جسمانی، حس کاهش اجراء، و کاهش ارزشمندی در ورزش است. این پرسش‌نامه، پس از ترجمه به زبان فارسی، بین ۲۲۵ ورزشکار با دامنه سنی ۱۵-۳۵ سال از رشته‌های مختلف ورزشی توزیع شد. برای برآورد پایایی این مقیاس از روش آلفای کرونباخ، برای برآورد روایی آن از روش تحلیل عاملی اکتشافی، و همچنین برای تأیید مدل از تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. یافته‌های پژوهش روایی، و پایایی مقیاس را مورد تأیید قرار دادند. به‌طور کلی، مقیاس تحلیل‌رفتگی با سه عامل، ۵۸ درصد واریانس کل سؤالات را تبیین کرد. در ارتباط با همسانی درونی سؤالات هر خرده‌مقیاس، ضریب پایایی واماندگی هیجانی ۰/۷۷، حس کاهش اجراء ۰/۸۰، و کاهش ارزشمندی در ورزش ۰/۸۲ بود. بنابراین، به‌نظر می‌رسد پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی رادک و اسمیت، ابزار مناسبی برای سنجش تحلیل‌رفتگی ورزشی ورزشکاران در جامعه ایرانی است.

**کلیدواژه‌ها:** ویژگی‌های روان‌سنجی، تحلیل‌رفتگی ورزشی، واماندگی هیجانی- جسمانی، حس کاهش اجراء، کاهش ارزشمندی در ورزش.

### Psychometric Properties of Persian Version of the Athlete Burnout Questionnaire (ABQ) in Athletes

Nasour Ahmadi, Behrouz Abdoli, and Masoud Ariafar

#### Abstract

This study examined the psychometric properties of the athlete burnout questionnaire (ABQ) scale in athletes from different sports. The original scale contains 15 items and 3 subscales of physical-emotional exhaustion, reduced sense of accomplishment and sport devaluation. In the present study, the questionnaire was translated into Persian and was distributed between the 225 athletes from different sports aged 15-35 years. It was used Cronbach's alpha coefficient to estimate the reliability, Exploratory Factor Analysis to explore latent factors, and confirmatory factor analysis to test its construct validity. Results confirmed the reliability and validity of the scale. Totally, this scale with 3 factors, explained 58% of total variance. Related to internal consistency of each subscale, the reliability coefficients were 0.77 for physical-emotional exhaustion; 0.80 for reduced sense of accomplishment; and 0.82 for sport devaluation. Overall, it seems the athlete burnout questionnaire from Raedeke and Smith is suitable tool for assessing athlete burnout in Iranian community devaluation.

**Keywords:** Psychometric Properties, Athlete Burnout, Physical-Emotional Exhaustion, Reduced Sense of Accomplishment, Sport Devaluation

## مقدمه

تحلیل‌رفتگی<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم روان‌شناسی ورزشی است که واماندگی هیجانی، ذهنی، و جسمانی را برای ورزشکاران به‌همراه دارد و تأثیرات منفی بر هدف-گرایی، خودپنداره، و نگرش‌های آینده فرد در زندگی و ورزش می‌گذارد (شافلی، ماسلس، و مارک،<sup>۲</sup> ۱۹۹۳). مشابه بسیاری از مفاهیم موجود در روان‌شناسی ورزشی، این موضوع نیز، در حوزه‌های دیگر مانند محیط‌های شغلی مفهوم‌سازی شده است (گودجر، کرلی، لاوالی، و هارود،<sup>۳</sup> ۲۰۰۷). پژوهش‌های اولیه<sup>۴</sup> تحلیل‌رفتگی، بر مشاغل، و مربیان متمرکز بوده و در این زمینه، ورزشکاران مورد مطالعه قرار نگرفته بودند. در سال ۱۹۹۰، روند بررسی‌ها به سمت ورزشکاران گرایش پیدا کرد و پژوهش‌هایی از قبیل گولد، تافی، آدری، و لوهر،<sup>۵</sup> (۱۹۹۶ الف؛ ۱۹۹۶ ب؛ ۱۹۹۷) شکل گرفت (گودجر و همکاران، ۲۰۰۷). در مطالعاتی که توسط فندر<sup>۶</sup> (۱۹۸۹)، و دیل، و وینبرگ<sup>۷</sup> (۱۹۹۰) انجام گرفت بر موضوعات کلیدی‌ای تأکید شد که به‌نظر می‌رسید در پیشبرد علمی مطالعات این زمینه از پژوهش، مهم است. آن‌ها بر تعریف عملیاتی تحلیل‌رفتگی، توسعه ابزارهای سنجش و راهبردهایی برای ارزیابی تحلیل‌رفتگی در میان ورزشکاران، توسعه چهارچوب نظری برای توضیح تحلیل‌رفتگی در ورزش، و همچنین توسعه راهبردهای مداخله‌گر توافقی نظر داشتند (دیل و وینبرگ، ۱۹۹۰، فندر، ۱۹۸۹). تعدادی از پژوهش‌های پیشین (کوهن،<sup>۸</sup> ۱۹۹۰؛ ایدز،<sup>۹</sup> ایدز،<sup>۱۰</sup> ۱۹۹۰؛ گولد و همکاران، ۱۹۹۶؛ سیلوا،<sup>۱۱</sup> ۱۹۹۰)

(۱۹۹۰) به این نتیجه رسیدند، زمانی که ورزشکاران از تحلیل‌رفتگی رنج می‌برند، ارتباطی قوی بین وجود علائم تحلیل‌رفتگی و مؤلفه‌هایی مانند شروع احساس واماندگی و فقدان انرژی (واماندگی هیجانی-جسمانی<sup>۱۲</sup>)، دلسردی باتوجه‌به انتظارات برآورده نشده (حس کاهش اجرا<sup>۱۱</sup>)، و درجه‌ای از بی‌علاقگی و کاهش جذابیت این ورزش (کاهش ارزشمندی در ورزش<sup>۱۳</sup>) مشاهده می‌شود (کوهن، ۱۹۹۰، ایدز، ۱۹۹۰، گولد و همکاران، ۱۹۹۶، سیلوا، ۱۹۹۰). شافلی و بانک<sup>۱۴</sup>، در یک مرور ۲۵ ساله از ادبیات تحلیل‌رفتگی، علائم مربوط به آن را به پنج طبقه نفسانی (ناراحتی، حالت افسردگی، و خصومت)، شناختی (احساس واماندگی، اختلال حافظه، و توجه)، جسمانی (واماندگی، و بیماری)، رفتاری (غیبت، و اختلال در اجرا) و انگیزش (فقدان شور و اشتیاق) تقسیم نمودند (شافلی و بانک، ۲۰۰۳). در هر دو حوزه ورزش و کار، مفهوم تحلیل‌رفتگی به‌طور گسترده و به‌آسانی رواج یافته است. گرچه استفاده از این اصطلاح چهارچوب عینی نیرومندی را فراهم می‌آورد، اما با وجود واضح‌بودن آن، بحث‌های زیادی را درباره تعریف، و اندازه‌گیری تحلیل‌رفتگی در حوزه ورزش به‌وجود آورده است (رادک و اسمیت<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۱). مدل عاطفی-شناختی اسمیت از تحلیل‌رفتگی ورزشکاران<sup>۱۵</sup> (۱۹۸۶) تنها مدل ارائه شده تا آن زمان بود و بعد از آن سه مدل دیگر نیز انتشار یافت (سیلوا، ۱۹۹۰، اسمیت و استین<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۱، کوکلی<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۲). به‌طور خلاصه، مدل اسمیت بیان می‌کند تحلیل‌رفتگی حاصل استرس شدید است که در رقابت‌های ورزشی،

1. Burnout
2. Schuafeli, Maslach, Marek
3. Goodger, Gorely, Lavalley, & Harwood
4. Gould, Tuffey, Udry, & Loehr
5. Fender
6. Dale & Weinberg
7. Cohn
8. Eades
9. Silva

10. Emotional/physical exhaustion
11. Reduced sense of the accomplishment
12. Sport devaluation
13. Buunk
14. Smith & Raedeke
15. Cognitive-Affective Model of Burnout
16. Schmidt & Stein
17. Coakley

به دلیل نیازهای جسمانی، روانی، و هیجانی به وجود می‌آید. وی این مدل را از طریق ارتباط بین عوامل موقعیتی، ارزیابی شناختی تعامل بین شخص و موقعیت، واکنش‌های جسمانی (مربوط به ارزیابی)، و پاسخ‌های رفتاری بیان می‌کند. این مؤلفه‌ها، بوسیله عوامل انگیزشی، و شخصیتی تأثیر می‌پذیرند (اسمیت، ۱۹۸۶). کوکلی یک توضیح جامعه‌شناختی ارائه می‌دهد که در آن، تحلیل‌رفتگی حاصل سازمان‌های ورزشی است. در چنین سازمان‌هایی، ورزشکاران جوان شخصیت تک بعدی پیدا می‌کنند و احساس عدم استقلال می‌نمایند (کوکلی، ۱۹۹۲). اسمیت و استین مدلی بر مبنای تعهد پیشنهاد دادند و تأیید کردند که تحلیل‌رفتگی بیش از یک واکنش ساده به استرس بوده و به تعهد ورزشی نیز، وابسته است. ورزشکارانی که تحلیل‌رفتگی را تجربه می‌کنند، به نوعی در ورزش درگیر شده‌اند؛ زیرا آن‌ها تمایلی به انجام این کار نداشته، بلکه مجبور به مشارکت در آن شده‌اند (اسمیت و استین، ۱۹۹۱). سرانجام، در مدل سیلوا، تحلیل‌رفتگی، به‌عنوان آخرین مرحله از یک پیوستار بیش‌تمرینی و کهنگی در نظر گرفته شده که در نتیجه پاسخ منفی یا عدم سازگاری با تمرین به-وجود می‌آید (سیلوا، ۱۹۹۰). اسمیت پیشنهاد داد که تحلیل‌رفتگی ناشی از سطوح مزمن استرس است که منابع شخصی دارد و متعاقباً، نتایج رفتاری، و روان‌شناختی ناسازگاری به‌بار می‌آورد. وی تحلیل‌رفتگی را به‌عنوان کناره‌گیری هیجانی، روان‌شناختی، و گاهی اوقات جسمانی، به‌خاطر تجربه استرس از یک فعالیت ورزشی لذت‌بخش تعریف نمود. بر اساس تعریف پیشنهادشده، رادک و اسمیت (۲۰۰۱) یک ابزار اندازه‌گیری با نام تحلیل‌رفتگی ورزشی تهیه کردند. این پرسش‌نامه، با هدف اندازه‌گیری سه جنبه نظری پیشنهادشده توسط رادک (۱۹۹۷) ساخته شد و شامل ۱۵ گویه و سه عامل بود؛ پاسخ‌های آن بر اساس مقیاس پنج ارزیابی لیکرت، از

تقریباً هرگز (یک) تا تقریباً همیشه (پنج) طبقه‌بندی شد. این پرسش‌نامه، دارای شاخص‌های روان‌سنجی مناسبی از پایایی (آزمون مجدد، و همسانی درونی)، و روایی است. رادک و اسمیت (۲۰۰۱) در سه مطالعه، به بررسی توسعه ابزار مناسبی برای تحلیل‌رفتگی ورزشکاران پرداختند. در مطالعه اول، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی سه بُعد واماندگی هیجانی- جسمانی، حس کاهش عملکرد، و کاهش ارزشمندی شناگران را آشکار کرد. در دو مطالعه بعدی، ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه اصلاح‌شده این ابزار، در رشته‌های مختلف ورزشی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی و آزمون مدل جایگزین، مدل تحلیل‌رفتگی سه بُعدی شناسایی‌شده را مورد حمایت قرار داد. در این دو مطالعه، روایی سازه نسخه اصلاح‌شده بررسی شد. نتایج نشان داد، مقیاس تحلیل‌رفتگی ارتباط مثبتی با شاخص‌های استرس، اضطراب حالتی، و بی‌انگیزگی، و ارتباط منفی با شاخص‌های مقابله، حمایت اجتماعی، لذت، تعهد، و انگیزش درونی دارد (رادک و اسمیت، ۲۰۰۱). در رابطه با روایی، شاخص‌های دقیق ارائه‌شده توسط رادک و اسمیت (۲۰۰۱)، به‌طور مستقل، از طریق پژوهش‌های انجام‌شده توسط کرسول و ایکلاندا<sup>۱</sup> (۲۰۰۶، ب)، و لانسدل، هوگ، و جکسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) تکرار شد که ساختار عاملی پرسش‌نامه را مورد حمایت قرار می‌داد. کرسول و ایکلاندا، شواهدی از روایی (روایی افتراقی، و همگرا) را در ارتباط با متغیرهای دیگر ارائه دادند (کرسول و ایکلاندا، ۲۰۰۶؛ و لانسدل و همکاران، ۲۰۰۷). به‌دلیل ترجمه پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی به زبان‌های مختلف از قبیل آلمانی (زیماينز، ابو‌عمر، رادک، و کراوس<sup>۳</sup>،

1. Cresswell & Eklund
2. Lonsdale, Hodge, & Jackson
3. Ziemainz, Abu-Omar, & Krause

اجرای موفقیت‌آمیز این پرسش‌نامه در زمینه‌های ورزشی دیگر به غیر از فوتبال نیز فراهم آورند (آرس و همکاران، ۲۰۱۲). در پژوهشی دیگر، آرس و همکاران (۲۰۱۲) به اعتباریابی نسخه تطبیق‌یافته ۱۸ گویه‌ای پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی در اسپانیا پرداختند و به نتایج رضایت‌بخشی دست یافتند. در سطح روان‌سنجی، هدف اصلی، ایجاد نسخه‌ای از پرسش‌نامه است که نیازهای روایی و پایایی را برآورده سازد. سنجش تحلیل‌رفتگی، ممکن است برای کمک به شناسایی ورزشکارانی که از آن رنج می‌برند (ممکن است تا حدودی با اهدافی که خودشان از ورزش دارند، تعارض داشته باشند)، و از همه مهم‌تر، کمک به شناسایی ورزشکارانی که در معرض خطر ابتلاء به این علائم هستند، نقش مهمی را به‌عنوان یک ابزار سنجش ایفا کند تا با استفاده از مداخلات روان‌درمانی که دارای ارزش پیشگیرانه بالایی هستند، از ظهور این علائم جلوگیری شود (آرس و همکاران، ۲۰۱۲). نسخه اصلی این پرسش‌نامه، به زبان انگلیسی و برای جامعه آمریکا ارائه شده است. برای استفاده از این ابزار، می‌بایست جنبه‌های بومی- فرهنگی کشوری که قصد استفاده از این پرسش‌نامه را دارد نیز، در نظر گرفته شود. به‌همین منظور، پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی در چندین کشور بومی‌سازی شده و روایی و پایایی آن قابل قبول گزارش گردیده است (آرس و همکاران، ۲۰۱۲؛ آرس و همکاران، ۲۰۱۰؛ دی فرانسیسکو و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به آنچه بیان شد، سؤالی که در خصوص استفاده از این ابزار پیش می‌آید این است که آیا نسخه فارسی پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی، روایی لازم را در جامعه ایرانی داراست؟ به‌علاوه، آیا این ابزار از همسانی درونی، و پایایی زمانی قابل قبولی برخوردار است؟ بنابراین لازم است ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی این پرسش‌نامه مطالعه شود. با این هدف، در پژوهش حاضر برخی از

(۲۰۰۴)، عربی (آلتاهینه<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)، چینی (چن و کی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ لو، چن، و چو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶)، فرانسوی (پریالت، گودیو، لپوینت، و لاکرویکس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ ایزوارد-گوتر، اوگر، گویت، و مارتین کروم<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰)، نروژی (لمیر، هال، و روبرتس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸؛ لمیر، روبرتس، و استاری-گوندرسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷)، پرتغالی (آلوارز، فریرا، و بوریم<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶)، و سوئدی (گاستفسون، کنتا، هسمن، لاندوکیست، و دوراندیاش<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷)، این پرسش‌نامه در میان فرهنگ‌های مختلف به رسمیت شناخته شده است (آرس، دی فرانسیسکو، آندراد، سئون<sup>۱۰</sup>، و رادک، ۲۰۱۲). در اسپانیا، دی فرانسیسکو و همکاران (۲۰۰۹)، و آرس، دی فرانسیسکو، آندراد، و رادک، (۲۰۱۰) نسخه ۱۵ گویه‌ای پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی (ای.بی. کیو<sup>۱۱</sup>) را برای بازیکنان فوتبال مورد استفاده قرار دادند (آرس و همکاران، ۲۰۱۰؛ دی فرانسیسکو، فرناندز<sup>۱۲</sup>، فرناندز، آرس، و رادک، ۲۰۰۹). همچنین کار مشابهی توسط پدروسا، سوئارز، و پرز سانچز<sup>۱۳</sup>، در زمینه فوتبال انجام شده است که نتایج تمامی این پژوهش‌ها در به‌کارگیری این پرسش‌نامه رضایت-بخش بوده است (پدروسا، سوئارز، و پرز سانچز، ۲۰۱۱). با وجود نتایج رضایت‌بخش در این پژوهش‌ها، آرس و همکاران در اسپانیا، این پرسش‌نامه را در ورزش‌های مختلف اعتباریابی کردند تا شاهدهی برای

1. Altahayneh
2. Chen & Kee
3. Lu, Chen, & Cho
4. Perreault, Gaudreau, Lapointe, & Lacroix
5. Isoard-Gautheur, Oger, Guillet, & Martin-Krumm
6. Lemyre, Hall, & Roberts
7. Stray-Gundersen
8. Alvarez, Ferreira, & Borim
9. Gustafsson, Kenttä, Hassmén, Lundqvist, & Durand-Bush
10. Arce, De ferancisco, Andade, & Seoane
11. Athlete Burnout Questionnaire
12. Fernandez
13. Pedrosa, Suarez, & Perez Sanchez

علوم ورزشی، و زبان انگلیسی ترجمه و اصلاح گردید. سپس، توسط هشت نفر از اساتید حوزه رفتار حرکتی، و روان‌شناسی ورزش، اعتبار محتوایی ترجمه سوالات، با استفاده از روش اعتبار محتوایی، بالاتر از ۰/۷۵ گزارش شد (لاوشه<sup>۲</sup>، ۱۹۷۵). بنابراین، پرسش‌نامه بین بین ورزشکاران توزیع شد و آن‌ها به تمام سوالات با استفاده از مقیاس پنج ارزشی لیکرت، تقریباً هرگز (یک)، به ندرت (دو)، گاهی اوقات (سه)، اغلب (چهار)، و تقریباً همیشه (پنج) پاسخ دادند.

#### روش آماری

برای تحلیل داده‌ها، ابتدا از آزمون کایزر، مایر، و الکین برای آزمون کفایت حجم نمونه، و آزمون کروییت بارتلت برای بررسی توانایی عاملی بودن داده‌ها استفاده شد. سپس، از تحلیل عاملی اکتشافی برای تعیین تعداد عوامل، و تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از شاخص‌های مطلق، تطبیقی، و مقتصد<sup>۳</sup> استفاده گردید. همچنین، برای محاسبه پایایی آزمون مجدد، ضریب همبستگی پیرسون، و برای محاسبه همسانی درونی سوالات هر خرده مقیاس نیز، ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ به کار برده شد. آزمون مجدد پرسش‌نامه، بر روی ۴۹ ورزشکار (۱۷ دختر، و ۳۲ پسر) در رشته‌های مختلف، با دو هفته فاصله، اجرا گردید.

#### یافته‌ها

برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی در ورزشکاران، دو فعالیت زیر انجام گرفت:

الف. تعیین اعتبار<sup>۴</sup>، و ب. تعیین پایایی<sup>۵</sup>.  
به منظور تعیین اعتبار این پرسش‌نامه، از روش اعتبار سازه

شاخص‌های روایی و پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی بررسی شده است.

#### روش پژوهش

##### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، ورزشکاران شهر تهران بودند که در سطوح متفاوت مهارتی، و با دامنه سنی ۱۵ تا ۳۵ سال، فعالیت داشتند. از میان این جامعه، ۲۲۵ ورزشکار (۷۵ دختر، و ۱۵۰ پسر) در رشته‌های فوتبال (۲۳۵ درصد)، تکواندو (۲۳ درصد)، والیبال (۱۸ درصد)، بسکتبال (۱۲ درصد)، شنا (۷/۵ درصد)، و شمشیربازی (۴/۵ درصد) به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. این ورزشکاران در سطح ملی (۹ درصد)، سوپرلیگ (۳۰ درصد)، لیگ یک کشور (۴۵ درصد)، لیگ دو کشور (۱۰ درصد)، و دانشگاهی (۶ درصد) فعالیت داشتند. به علاوه، سابقه فعالیت آن‌ها در رشته تخصصی خود، به طور میانگین  $8/5 \pm 3$  سال بود. انتخاب حجم نمونه، بر حسب هدف پژوهش، و تعداد پیشنهادی مطالعات تحلیل عاملی (۱۰ آزمودنی به ازای هر گویه پرسش‌نامه) انجام شد (هومن، ۱۳۸۸؛ کلاین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

##### ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی حاوی ۱۵ سؤال است که سه خرده‌مقیاس را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه توسط رادک و اسمیت به زبان انگلیسی در آمریکا طراحی شد و در بین ۲۰۸ ورزشکار دانشگاهی (۱۳۳ دختر، و ۷۵ پسر) اعتباریابی گردید. آن‌ها ضریب همبستگی و اندازه اثر پرسش‌نامه را در واماندگی هیجانی ( $r^2 = 0/84$  و  $r = 0/92$ )، حس کاهش اجرا ( $r^2 = 0/73$  و  $r = 0/86$ )، و کاهش ارزشمندی در ورزش ( $r^2 = 0/84$  و  $r = 0/92$ ) گزارش کردند (رادک و اسمیت، ۲۰۰۱).

در مرحله اول، این پرسش‌نامه توسط متخصصان

2. Lawshe  
3. Absolute, Comparative, and Parsimonious Fit Indices  
4. Validity  
5. Reliability

1. Kline

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس نشان داد که سه عامل با مقدار ویژه بزرگتر از یک، یافت شدند که در مجموع ۵۸ درصد واریانس کل سؤالات را تبیین می‌کنند (جدول ۱).

عاملی استفاده شد. در تعیین اعتبار سازهٔ عاملی، از دو روش تحلیل عامل اکتشافی، و تأییدی استفاده گردید. آزمون کایزر، مایر، و الکین کفایت حجم نمونه (۰/۸۵)، و آزمون کرویت بارتلت توانایی عاملی بودن داده‌ها ( $\chi^2 = 1264$ ,  $df = 105$ ,  $P < 0/001$ ) را تأیید کرد.

جدول ۱. عوامل استخراجی از تحلیل عاملی اکتشافی

بارهای عاملی بالاتر از ۰/۴۰		عامل‌ها		
عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	%۳۵	واریانس تبیین شده
سؤال	% ۱۰/۵	% ۱۲/۵		
	۰/۷۶			۱ (معکوس)
	۰/۷۳			۵
	۰/۵۷			۷
	۰/۶۵			۱۳
	۰/۷۹			۱۴ (معکوس)
		۰/۷۶		۲
		۰/۷۳		۴
		۰/۶۲		۸
		۰/۶۰		۱۰
		۰/۷۲		۱۲
			۰/۵۳	۳
			۰/۷۹	۶
			۰/۸۸	۹
			۰/۸۴	۱۱
			۰/۵۹	۱۵

برازش مدل با داده‌ها استفاده می‌گردد. اگرچه یک قاعدهٔ کاملاً تثبیت‌شده در این زمینه وجود ندارد، اما نسبت سه یا کمتر از آن، نشان‌دهندهٔ برازش قابل قبول مدل با داده‌ها است (جورسکوگ، ۱۹۶۹). همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نسبت مجذور کای به درجهٔ آزادی، کمتر از ۳ بود.

برای محاسبهٔ پایایی پرسش‌نامهٔ حاضر از روش‌های بازآزمایی، و همسانی درونی استفاده شد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو بار آزمون، به فاصلهٔ دو هفته، برای گویه‌ها بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ به‌دست آمد. در ارتباط با همسانی درونی سؤالات هر خرده‌مقیاس، نتایج آزمون آلفای کرونباخ نشان داد که ضریب پایایی و اماندگی هیجانی ۰/۷۷، حس کاهش اجرا

برای بررسی روایی تأییدی پرسشنامه، ابتدا از تحلیل عاملی تأییدی مرتبهٔ اول استفاده شد که نتایج بیانگر قابل قبول بودن شاخص‌های برازش مطلق ( $\chi^2/df = 2/14$ ;  $GFI = 0/91$ ؛  $CFI = 0/93$ ؛  $RMSEA = 0/07$ )، و مقتصد (TLI=) و مقتصد (RMSEA= ۰/۰۷) بود. در ادامه، روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبهٔ دوم به‌کار برده شد. شاخص‌های برازش مدل عاملی تأییدی مرتبهٔ دوم در جدول ۲ نشان می‌دهد که شاخص‌های تطبیقی، و مقتصد در دامنهٔ قابل قبول قرار دارند. در ارتباط با شاخص‌های مطلق، برازش قابل قبول داده‌ها با مدل را نشان داد. باوجوداین، از آنجاکه آمارهٔ مجذور کای وابسته به حجم نمونه است، معمولاً معنادار می‌شود. به‌همین دلیل، معمولاً از نسبت مشاهده‌شدهٔ مجذور کای به درجهٔ آزادی، به‌عنوان یک شاخص برای

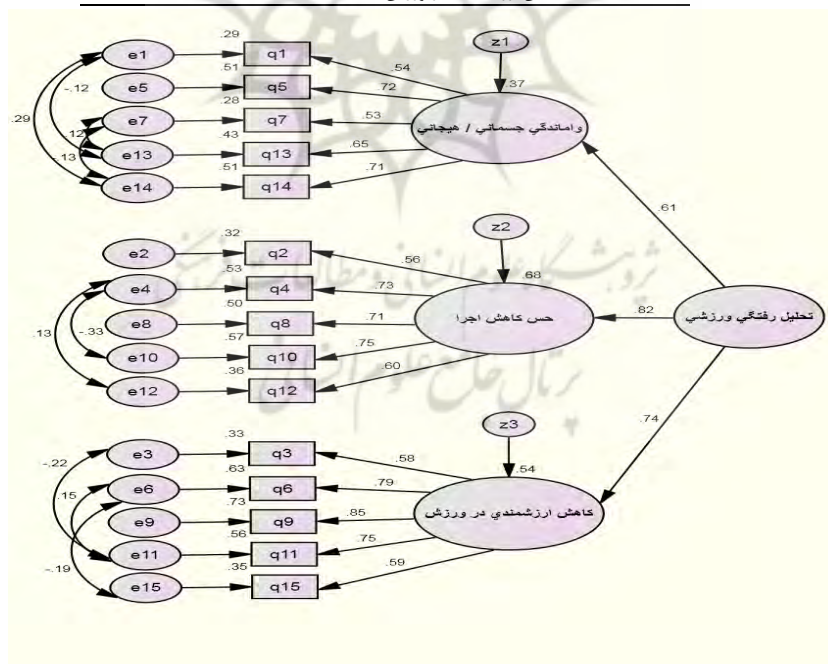
۰/۸۰، و کاهش ارزشمندی در ورزش ۰/۸۲ بود که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب سوالات هر خرده‌مقیاس است (جدول ۳). همچنین از شیوه حذف افزایش ضریب آلفا نشد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای سنجش تحلیل‌رفتگی ورزشی

شاخص	علامت اختصاری	معادل فارسی	دامنه قابل قبول	درجه آزادی = ۷۸	مدل تدوین شده
	GFI	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۰ - ۱	۰/۹۱	
مطلق	Chi-Square	مقدار مجذور کای	وابسته به حجم نمونه	۱۶۵/۳	
	P-Value	سطح معناداری	وابسته به حجم نمونه	۰/۰۰۰۴	
تطبیقی	CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۰ - ۱	۰/۹۳	
	TLI	شاخص توکر-لویس	۰/۹۰ - ۱	۰/۹۰	
	PNFI	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	۰/۵۰ - ۱	۰/۶۵	
مقتصد	PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	۰/۵۰ - ۱	۰/۶۹	
	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰ - ۰/۰۸	۰/۰۷	

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی پیرسون و ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی آزمون

عامل	ضریب آلفا	r
واماندگی جسمانی / هیجانی	۰/۷۷	۰/۸۶
حس کاهش اجرا	۰/۸۰	۰/۸۹
کاهش ارزشمندی در ورزش	۰/۸۲	۰/۸۱



شکل ۱. بارهای عاملی استاندارد شده مدل اندازه‌گیری سوالات پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تعیین روایی و پایایی مقیاس تحلیل‌رفتگی ورزشی در بین سطوح متفاوت ورزشکاران رشته‌های مختلف بود. در این پژوهش، طبق نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، مقیاس ۱۵ سؤالی تحلیل‌رفتگی ورزشی، با سه عامل در مجموع ۵۸ درصد واریانس کل سؤالات را تبیین کرد. در مرحله دوم، برای تأیید مدل سه عاملی کشف‌شده توسط تحلیل عاملی اکتشافی، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که نتایج آن بر مبنای شاخص‌های اصلاح، و بارهای عاملی، حاکی از تأیید سه عامل بود. ترتیب بارشدن سؤالات هر یک از سه عامل بدین صورت بود: سؤال‌های ۳، ۶، ۹، ۱۱ و ۱۵ تحت عامل اول (کاهش ارزشمندی در ورزش)، سؤال‌های ۲، ۴، ۸، ۱۰ و ۱۲ تحت عامل دوم (حس کاهش اجرا) و سؤال‌های ۱، ۵، ۷، ۱۳ و ۱۴ تحت عامل سوم (واماندگی هیجانی- جسمانی) بار شدند. هر یک از این سه عامل، در پژوهش حاضر، همسانی درونی قابل قبولی را به روش ضریب آلفای کرونباخ کسب کردند. این ضرایب شامل واماندگی هیجانی- جسمانی ۰/۷۷، حس کاهش اجرا ۰/۸۰ و کاهش ارزشمندی در ورزش ۰/۸۲ بودند. به‌طورکلی، شاخص‌های پژوهش حاضر با نسخه اصلی گزارش- شده توسط رادک و اسمیت (۲۰۰۱) که با ۲۰۸ ورزشکار دانشگاهی (۱۳۳ دختر، و ۷۵ پسر) اعتباریابی شده بود، مشابه است و روایی، و پایایی مقیاس تحلیل‌رفتگی ورزشی را تأیید می‌کند. تحلیل‌رفتگی در محیط ورزشی، نگرانی‌های قابل‌توجهی در میان مربیان و ورزشکاران ایجاد کرده است. باتوجه‌به ماهیت ورزش، و تحلیل‌رفتگی، اغلب ورزشکاران و مربیان در معرض ابتلاء به این وضعیت هستند؛ زیرا آن‌ها اکثراً هدف‌گرا بوده و تحت استرس بسیار قرار

دارند (فیگلی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴). ابتدا، ماسلش و جکسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) در پژوهشی بر روی مربیان و دیگر شرکت-کنندگان در ورزش، ادراک تحلیل‌رفتگی را مطالعه کردند. مهم‌ترین سهم در شروع مطالعات تحلیل-رفتگی ورزشکاران، به پژوهش اسمیت (۱۹۸۶) مربوط است که در آن الگوی مفهومی تحلیل‌رفتگی ورزشکار بر پایه استرس ارائه شد و یافته‌های تجربی پژوهش-های بعدی نیز از آن حمایت کردند (گولد و همکاران، ۱۹۹۶). از دیدگاه صاحب‌نظران، دلیل اصلی بروز تحلیل‌رفتگی در ورزشکاران این است که ورزش در سطح نخبگی با مشخص‌نکردن محدوده بین فصل استراحت مسابقه، تلاش پایان‌ناپذیری در ورزشکاران ایجاد می‌کند که این تعهد بیش از حد به تمرین، در نهایت به تحلیل‌رفتگی ورزشکار می‌انجامد (واینبرگ و گولد، ۲۰۰۳). ادراک تحلیل‌رفتگی در میان ورزشکاران، پژوهشگران را به سمت توسعه یک نسخه مخصوص ورزشکاران سوق داد (رادک، لونی، و وینلز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). بنابراین، رادک و اسمیت (۲۰۰۱) با مطالعه شناگران دریافتند که تحلیل‌رفتگی به‌عنوان کناره‌گیری از ورزش به‌دلیل حس کاهش اجرا، کاهش ارزشمندی در ورزش، و واماندگی هیجانی- جسمانی تعریف می‌شود؛ واماندگی هیجانی و بدنی وابسته به تمرین بیش از حد، و رقابت است؛ همچنین، حس کاهش اجرا به توانایی‌ها و مهارت‌ها وابسته است؛ در نهایت، کاهش ارزشمندی در ورزش به فقدان علاقه یا بی‌اعتنایی اشاره دارد (گودجر و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین، پرسش‌نامه‌ای که رادک و اسمیت در سال ۲۰۰۱ برای سنجش تحلیل‌رفتگی تهیه کردند، این سه خرده‌مقیاس را بررسی می‌نمود.

1. Feigley
2. Maslach & Jackson
3. Lunney & Venables



عاملی این ابزار را مشابه پژوهش‌های دیگر تکرار کرد (آیزورد گوتر و همکاران، ۲۰۱۰). در کل، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های دی فرانسیسکو و همکاران (۲۰۰۹) در اسپانیا، آرس و همکاران (۲۰۱۰)، و پروسا و همکاران (۲۰۱۱) نیز موافق بود و یافته‌های آن‌ها را مورد تأیید قرار داد.

به‌طور خلاصه، پژوهش حاضر روایی و پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی را که نسخه اصلی آن توسط رادک و اسمیت (۲۰۰۱) در آمریکا طراحی شده بود، تکرار کرد؛ همچنین نتایج حاصله، حاکی از همسانی درونی کافی و رضایت‌بخش بود، و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، و تأییدی، روایی سازه این مقیاس را در جامعه ایرانی مورد تأیید قرار داد. در نتیجه، به‌نظر می‌رسد بتوان از این مقیاس جهت سنجش تحلیل‌رفتگی ورزشکاران در رشته‌های مختلف، با دامنه سنی ۳۵-۱۵ سال و همچنین در هر دو جنس مذکر و مؤنث استفاده کرد.

#### منابع

۱. هومن، ح. (۱۳۸۸). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*. انتشارات سمت، چاپ سوم.
2. Arce, C., De Francisco, C., Andrade, E., Arce, I., & Raedeke, T. (2010). Adaptación española del Athlete Burnout Questionnaire (ABQ) para la medida del burnout en futbolistas. *Psicothema*, 22 (2), 250-255.
3. Arce, C., De Francisco, C., Andrade, E., Seoane, G., & Raedeke, T. (2012). Adaptation of the Athlete Burnout Questionnaire in a Spanish Sample of Athletes. *The Spanish journal of psychology*, 15 (3), 1529-1536.
4. Coakley, J. (1992). Burnout among adolescent athletes: A personal failure or social problem? *Sociology of Sport Journal*, 9 (3), 271-285.
5. Cohn, P. J. (1990). An exploratory study on sources of stress and athlete burnout in youth golf. *The Sport Psychologist*, 4 (2), 95-106.

روایی و پایایی این پرسش‌نامه در کشورهای مختلف نیز به‌گونه آزمایش گذاشته شد.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش آرس و همکاران (۲۰۱۲)، که نسخه تطبیق‌یافته ۱۸ گویه‌ای پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشی (به پرسش‌نامه تحلیل‌رفتگی ورزشکاران که توسط رادک و اسمیت در سال ۲۰۰۱، تهیه شده بود، ۳ گویه اضافه شد) را در بین ۴۸۷ ورزشکار (۲۹-۱۳ سال)، (۷۰٪ مرد، و ۳۰٪ زن) از رشته‌های مختلف ورزشی در کشور اسپانیا به‌کار گرفتند، موافق بود. در پژوهش آن‌ها، هر یک از سه عامل، و همچنین کل مقیاس، همسانی درونی قابل قبولی را به روش ضریب آلفای کرونباخ کسب کرد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی، ساختار عاملی این ابزار را تکرار کرد. اما برای به‌دست آمدن برازش کلی مناسب از مدل، دو گویه ۴ و ۶ به‌ترتیب با گویه‌های ۱۶ و ۱۷ که به نسخه اصلی اضافه گردیده بود، جایگزین شدند. پایایی آزمون-آزمون مجدد برای خرده‌مقیاس واماندگی هیجانی- جسمانی ۰/۷۰، برای خرده‌مقیاس حس کاهش اجرا ۰/۸۱، و برای خرده‌مقیاس کاهش ارزشمندی در ورزش ۰/۷۹ گزارش شد (آرس و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین نتایج پژوهش حاضر، یافته‌های آیزورد گوتر و همکاران (۲۰۱۰) را که به اعتباریابی نسخه ۱۵ گویه‌ای این پرسش‌نامه در ورزش رقابتی و در زمینه تربیت بدنی، با ۴۳۴ دانش‌آموز (۲۲۵ زن و ۲۰۹ مرد) فرانسوی پرداخته بودند، تأیید کرد. اما در پژوهش آن‌ها گویه‌های ۱، ۱۲، و ۱۵ به‌دلیل عدم وضوح آن‌ها در ترجمه فرانسوی، از تحلیل داده‌ها حذف شده و بقیه گویه‌ها مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل شدند. نتایج، روایی همزمان بین خرده‌مقیاس‌های نسخه انگلیسی و فرانسوی را نشان داد. در پژوهش آن‌ها، هر سه عامل، و همچنین کل مقیاس، همسانی درونی قابل قبولی به روش ضریب آلفای کرونباخ کسب کرد. این ضرایب شامل واماندگی هیجانی- جسمانی ۰/۷۷، حس کاهش اجرا ۰/۸۵، و کاهش ارزشمندی در ورزش ۰/۷۵ بودند. همچنین نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز، ساختار

6. Cresswell, S. L., Eklund, R. C. (2006). The nature of player burnout in rugby. *Journal of Applied Sport Psychology*, 18 (3), 219-239.
7. Dale, J., Weinberg, R., (1990). Burnout in sport: A review and critique. *Journal of Applied Sport Psychology*, 2 (1), 67-83.
8. De Francisco, C., Fernández, C. A., Fernández, E. M. A., Arce, I., & Raedeke, T. D. (2009). Propiedades psicométricas preliminares de la versión española del Athlete Burnout Questionnaire en una muestra de jóvenes futbolistas. *Cuadernos de psicología del deporte*, 9 (2), 45-46.
9. Eades, A. M. (1990). An investigation of burnout of intercollegiate athletes: The development of the Eades Athlete Burnout Inventory: University of California, Berkeley, 562.
10. Feigley, D. A. (1984). Psychological burnout in high-level athletes. *The Physician and Sportsmedicine*, 12 (10), 109-119.
11. Fender, L. K. (1989). Athlete burnout: Potential for research and intervention strategies. *Sport Psychologist*, 3 (1), 63-71.
12. Goodger, K., Gorely, T., Lavallee, D., & Harwood, C. (2007). Burnout in sport: A systematic review. *Sport Psychologist*, 21 (2), 127-151.
13. Gould, D., Tuffey, S., Udry, E., & Loehr, J. (1996). Burnout in competitive junior tennis players II: Qualitative analysis. *The Sport Psychologist*, 13 (10), 341-366.
14. Isoard-Gautheur, S., Oger, M., Guillet, E., & Martin-Krumm, C. (2010). Validation of a French Version of the Athlete Burnout Questionnaire (ABQ). *European Journal of Psychological Assessment*, 26 (3), 203-211.
15. Jorskog, K. G. (1969). A general approach to confirmatory maximum likelihood factor analysis. *Psychometrical*, 34 (9), 183-202.
16. Kline, P. (2005). Principles and practice of structural equation modelling. New York: *The Guildford Press*.
17. Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28 (4), 563-575.
18. Lonsdale, C., Hodge, K., & Jackson, S. A. (2007). Athlete engagement: II. Development and initial validation of the Athlete Engagement Questionnaire. *International Journal of Sport Psychology*, 38 (4), 471-492.
19. Pedrosa, I., Suárez, J., & Pérez Sánchez, B. (2011). Adaptación preliminar al castellano del Athlete Burnout Questionnaire en futbolistas. *Revista Electrónica de Metodología Aplicada*. 16 (1), 35-49.
20. Raedeke, T. D., & Smith, A. L. (2001). Development and preliminary validation of an athlete burnout measure. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 23 (4), 281-306.
21. Schaufeli, W. B., & Buunk, B. P. (2003). Burnout: An overview of 25 years of research and theorizing. *The handbook of work and health psychology*, (2), 282-424.
22. Schmidt, G. W., & Stein, G. (1991). Sport commitment: A model integrating enjoyment, dropout, and burnout. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 13 (3), 254-265.
23. Schaufeli, W. B., Maslach, C., & Marek, T. (1993). Professional burnout: Recent developments in theory and research. Washington DC: *Series in Applied Psychology*. November 8.
24. Silva, J. M. (1990). An analysis of the training stress syndrome in competitive athletics. *Journal of Applied Sport Psychology*, 2 (1), 5-20.
25. Smith, R. E. (1986). Toward a cognitive-affective model of athletic burnout. *Journal of sport psychology*, 36-50.
26. Raedeke, T. D., Lunney, K., & Venables, K. (2002). Understanding athlete burnout: Coach perspectives. *Journal of Sport Behavior*, 25: 181-206.